



Akademik Tarih ve Düşünce Dergisi

Academic Journal of History and Idea

ISSN: 2148-2292

11(5) 2024

Derleme Makale | Review Article

Geliş tarihi | Received: 12.09.2024

Kabul tarihi | Accepted: 19.10.2024

Yayın tarihi | Published: 25.10.2024

**Safiullah Muntazer**

<https://orcid.org/0000-0002-0755-7798>

PhD candidate at Department of Islamic Law, Social science institute, Sakarya University, Esentepe Campus, Sakarya, Turkey & Islamic law faculty, Balkh University, Mazar – e Sharif, Afghanistan, Safiullah.muntazer1@ogr.sakarya.edu.tr

**Mohammad Tawfiq Noorzai**

<https://orcid.org/0009-0008-0646-0581>

Department of Economics, Faculty of Economics, Kabul University, Kabul, Afghanistan & PhD Candidate at Department of Economics, Faculty of Political Sciences, Sakarya University, Esentepe Campus, Türkiye, tawfiq\_noorzai@yahoo.com

**Atf Künyesi | Citation Info**

Muntazer, S. & Noorzai, M. T. (2024). *Akademik Tarih ve Düşünce Dergisi*, 11 (5), 3726-3736. *مراجعة و اجاره در فقه و کاربرد آن در بانکداری اسلامی*.

## مراجعة و اجاره در فقه و کاربرد آن در بانکداری اسلامی

### چکیده

این مقاله به بررسی عقود مرابحه و اجاره در فقه اسلامی و کاربرد آن ها در معاملات نظام بانکداری اسلامی معاصر می پردازد. هدف اصلی این تحقیق تحلیل ساختار و شرایط عقد مرابحه و اجاره در فقه و ارزیابی نحوه انطباق آنها با معاملات بانکی در دوران حاضر است. برای دستیابی به این هدف، از منابع فقهی قدیم و جدید استفاده شده است. از آنجا که امور بانکداری از قضایای معاصر به شمار میرود به آثار مرتبط با بانکداری اسلامی معاصر نیز مراجعه گردیده است. هر یک از این دو عقد تحت چارچوب عمومی عقد و بخش معاملات در فقه اسلامی قرار دارند، اما در برخی موارد دارای ویژگی های خاص و منحصر به فردی هستند. بخش قابل توجهی از فعالیت های بانکداری اسلامی معاصر شامل عقد مرابحه و اجاره است، که تلاش شده تا این عقود از نظر شکل و محتوا با قواعد فقهی همخوانی داشته باشند. با این حال، در برخی موارد تفاوت هایی بین این عقود و شیوه های امروزی مشاهده می شود که از



این رو، به آنها عنوان "مراجه و اجاره معاصر" داده شده است. در مجموع، ایجاد بانکداری اسلامی و اجرای عقود مراجه و اجاره به عنوان بخشی از فعالیت های بانکی، در این تحقیق به عنوان یک گام مثبت ارزیابی شده است.  
**کلمات کلیدی:** اجاره، اجاره بانکی، بانکداری اسلامی، عقد، مراجه، مراجه بانکی.

## Murabaha and Ijara in Islamic Jurisprudence and their Implementation in Islamic Banking

### Abstract

*This study examines the Islamic contracts of Murabaha and Ijara, focusing on their foundations in Islamic law and their application in modern Islamic banking. The main objective of this study is to evaluate the structure and conditions of these contracts within the framework of Islamic law and to assess how they are adapted to modern banking transactions. To achieve this, both classical and modern sources of Islamic law have been used, recognizing that banking is a modern subject. Therefore, works on Islamic banking have also been reviewed. Murabaha and ijarah contracts fit within the larger framework of contracts and commercial transactions in Islamic law, but in some cases exhibit unique features. A significant part of today's Islamic banking activities focus on these contracts, and considerable efforts are made to ensure that these contracts conform to the principles of Islamic law in both form and content. However, some mismatch between traditional contracts and their modern implementation has been noted, leading to the emergence of the terms "modern Murabaha" and "modern Ijara". Overall, this study views the establishment of Islamic banking and the implementation of these contracts as positive developments in this area.*

**Keywords:** Ijara, Banking Ijara, Islamic Finance, Contract, Murabaha, Banking Murabaha

### مقدمه

عقد مراجه و اجاره از جمله مباحث اساسی و مهم در فقه معاملات به شمار میروند. با توجه به تغییرات و تحولات عصر جدید، میتوان نشانه های تحول در حالت تطبیقی این دو عقد را نیز مشاهده کرد. یکی از تحولات عمده، رواج بانکوت ها و تأسیس بانک ها در سطح جهانی است. در دنیای امروز، امور پولی و بانکی به طور چشمگیری با اقتصاد و تجارت ارتباط یافته اند به گونه ای که این دو عنصر به نظر میرسد که لازم و ملزوم یکدیگر شده اند. از این رو، وجود بانک ها به عنوان یک نیاز جدی و اساسی در جوامع انسانی مطرح شده است. در کشورهای اسلامی، با توجه به نیازمندی های اقتصادی و تجاری، تلاش های زیادی در راستای ایجاد بانکوت و تأسیس بانک های اسلامی صورت گرفته است. این تحولات نشان دهنده ی اهمیت و ضرورت تطابق فقه اسلامی با واقعیت های اقتصادی معاصر و ایجاد راهکارهایی است که میتواند به تأمین نیازهای مالی و اقتصادی جوامع اسلامی کمک نماید. جوامع اسلامی به دلیل برخورداری از نظام حقوقی و اقتصادی منحصر به فرد مبتنی بر شریعت اسلام، نمی توانند تمام قوانین و فرمول های حاکم بر بانک ها را بدون تغییر بپذیرند. به ویژه، معاملات سودی یا ربا که به طور عادی در بانک ها حاکم است و بخش بزرگی از فعالیت های آنها را تشکیل میدهد، در نظام اقتصادی اسلام حرام و ممنوع است. به منظور حل این مشکل، برخی کشورهای اسلامی اقدام به راه اندازی بانکداری اسلامی کرده اند تا معاملات غیرسودی را در سیستم بانکی خود برقرار کنند. جالب است که بانکداری اسلامی حتی در برخی کشورهای غیر اسلامی نیز فعالیت دارد. از جمله معاملات بانکی غیرسودی می توان به مراجه بانکی و اجاره بانکی اشاره کرد. هرچند این

دو عقد دارای اوصاف و شرایط متفاوتی هستند، اما به دلیل شباهت نزدیک یکی از بخش های مهم عقد اجاره بانکی با عقد بیع، بررسی آن ها به صورت توأم مناسب تر به نظر میرسد. شایان ذکر است که مباحث مرتبط با عقد مرابحه و اجاره دارای جزئیات وسیع و عمیق در فقه هستند، اما در این مقاله با توجه به محدودیت های موجود، به بررسی کلی آنها پرداخته خواهد شد. مراجع یا منابع دست اول فقه، که مرجع اصلی این تحقیق را تشکیل میدهند، عقد مرابحه و اجاره را با تمام جزئیات شان تشریح و تحلیل نموده اند؛ بنابراین، نیازی به بحث بر روی منابع دست اول نیست. در عوض، بر منابع دست دوم، که شامل آثار نگارش شده در عصر جدید است، مکتب کوتاهی خواهیم داشت. جناب پروفیسور دکتور وهبة مصطفى الزحیلی در دو اثر مهم خود، "الفقه الاسلامی و ادلته" و "المعاملات المالیه المعاصره"، عقد مرابحه و اجاره را بر اساس فقه و کاربرد آن در تجارت و بانکداری اسلامی در عصر جدید به طور جامع مورد بررسی قرار داده است. به همین ترتیب، جناب پروفیسور دکتور خیرالدین قرمان در اثر مهم خود با عنوان "حقوق اسلامی با خطوط اساسی" به حقوق و وجایب طرفین در عقد مرابحه و اجاره با توجه به شرایط معاصر پرداخته و آن ها را توضیح داده است. همچنین، پروفیسور دکتور عبدالرحمن چکالی و گروه نویسندگان همراهش در اثر برجسته خود، "مسائل فقهی معاصر"، موضوعات فقهی معاصر را با نگاهی به منافع و مضار آن بررسی کرده اند و ضمن بیان نقاط مثبت مرابحه و اجاره بانکی در بانکداری اسلامی، به خلأهای موجود در تطبیق این دو عقد نیز اشاره کرده اند. در ادامه، دکتور محمد علم ظریف ستانکزی در اثر خود، "تنویر الافکار در معاملات بانکداری اسلامی"، علاوه بر بررسی موضوع در چارچوب شرایط عصر جدید، به تاریخچه سرمایه گذاری در افغانستان و شرایط مناسب این کشور برای اجرای بانکداری اسلامی اشاره کرده است. با توجه به آثار مذکور، اکنون وارد موضوع تحقیقی خود خواهیم شد.

## مرابحه

### ۲,۱ تعریف و معنی لغوی مرابحه

مرابحه در لغت: کلمه "مرابحه" از باب مفاعله است و نشان دهنده فعالیت تجاری میان دو طرف عقد بیع می باشد. این واژه از ریشه "ربح" گرفته شده است که به معنای "سود" یا "مفاد" می باشد (Ibn Manzur, 1993).

**تعریف بیع مرابحه:** بیع مرابحه به معنای فروش یک کالا به قیمت خرید اولیه آن به همراه افزودن یک مفاد مشخص از طرف فروشنده است. در این نوع معامله، فروشنده موظف است که هزینه واقعی خرید کالا را به خریدار اعلام کند و سپس با افزودن مفاد که به طور مشخص تعیین شده، کالا را به فروش برساند (Zuhayli, 2002; Kuduri, 1997). این شفافیت در قیمت گذاری و تعیین مفاد، از ویژگی های بارز بیع مرابحه به شمار میآید و آن را به ابزاری مناسب برای تأمین مالی در بانکداری اسلامی تبدیل می کند.

**۲,۲ دلایل مشروعیت بیع مرابحه:** بیع مرابحه تحت شمول عموم عقد بیع قرار می گیرد و دلایل شرعی موجود برای جواز بیع، بر جواز عقد مرابحه نیز دلالت میکند. از این رو، بسیاری از علمای اسلامی، از جمله صحابه (رض)، تابعین و ائمه مذاهب مختلف، بر جواز این نوع قرارداد تأکید کرده و آن را مجاز دانسته اند (Zuhayli, 2006).

### دلیل از قرآن کریم

آیه ای که به مشروعیت بیع مرابحه اشاره دارد، آیه ۲۷۵ سوره بقره است: "وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا" (سوره بقره، آیه ۲۷۵) ترجمه: حال آنکه حلال کرده است الله داد و ستد را و حرام گردانیده است ربا را (سوره بقره، آیه ۲۷۵).

آیه ای دیگر که به مشروعیت معاملات، از جمله بیع مرابحه اشاره دارد، آیه ۲۹ سوره نساء است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ" (سوره نساء، آیه ۲۹) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، مخورید مالهای خود را در میان یکدیگر به باطل، مگر آنکه داد و ستدی باشد با رضایت یکدیگر از شما (Hassan, t.y.).

روایتی از پیامبر (ص) در مورد بیع مرابحه؛

در روایتی آمده است که حضرت ابوبکر صدیق (رض) دو رأس شتر خریدند. سپس پیامبر اکرم (ص) به حضرت ابوبکر (رض) فرمودند:

"وَلَنِي أَحَدُهُمَا"

حضرت ابوبکر (رض) پاسخ داد: "هُوَ لَكَ بِغَيْرِ ثَمَنِ"

پیامبر (ص) فرمودند: "أَمَّا بِغَيْرِ ثَمَنِ فَلَا" (El-Haddadi, 1904).

**ترجمه:** روایت شده که حضرت ابوبکر صدیق (رض) دو رأس شتر خریدند. حضرت پیامبر (ص) به حضرت ابوبکر صدیق (رض) فرمودند که یکی از آنها را به من بده. حضرت ابوبکر صدیق (رض) گفت: یکی از آنها از شماست. حضرت پیامبر (ص) فرمودند: بدون پول نمی گیرم. از سوی دیگر احتیاج مردم به این بیع دال بر جواز این بیع است، بناء ضرورت دارند تا وارد این معامله شوند (Mawsili, 1937, s. 28). با توجه به دلایل ذکر شده، میتوان نتیجه گیری کرد که بیع مرابحه نه تنها با قواعد شرعی و فقهی هم خوانی دارد، بلکه به عنوان یک ابزار ضروری در تأمین نیازهای اقتصادی جامعه نیز شناخته میشود. مشروعیت این نوع معامله با تأکید علمای اسلامی و مستندات قرآنی تقویت میشود. بنابراین، در شرایط کنونی، بیع مرابحه میتواند به عنوان یک راهکار کارآمد و شرعی برای افراد در دستیابی به منابع مالی و انجام معاملات محسوب شود.

۲,۳ **شروط مرابحه:** برای انجام عقد مرابحه، شرایط ذیل ضروری است؛

✓ **علم به نرخ اول:** نرخ خرید کالایی که با بیع قبلاً خریداری کرده است، باید برای مشتری معلوم باشد. این موضوع یکی از شروط صحت عقد مرابحه به شمار میآید.

✓ **علم به فایده یا مقدار ربح:** مقدار مفادی که بر نرخ اول افزوده میشود، لازم است برای مشتری مشخص باشد.

✓ **وجود مال یا جنس:** کالا یا جنسی که به عقد مرابحه اختصاص می یابد، باید موجود و در دسترس باشد.

✓ **جریان نداشتن ربا:** در عقد مرابحه نباید ربا وجود داشته باشد؛ به عنوان مثال، یک سیر گندم نمیتواند به یک سیر و یک کیلو گندم فروخته شود.

✓ **صحت عقد:** عقد باید به درستی انجام شود؛ در صورتی که عقد فاسد باشد، لازم الاجرا نخواهد بود (Zuhayli, 2002).

قابل ذکر است که عقد مرابحه یکی از عقود امانت به شمار میرود. در این نوع عقد، مشتری به اعتبار سخن بایع در مورد نرخ خرید و مقدار مشخص شده کالا، از بایع خریداری می کند. اگر پس از عقد، مشخص شود که بایع در مورد نرخ خرید و مفاد حقیقت را پنهان کرده است، مشتری دو گزینه به عنوان حق خیار خواهد داشت: اول، میتواند کالا را به فروشنده مسترد کند و پول خود را پس بگیرد، و دوم، میتواند عقد را با همان وضعیت قبول کند و به نرخ توافق شده ادامه دهد. این اختیار برای مشتری بر مبنای رأی امام ابوحنیفه (رح) است (Mawsili, 1937).

۲,۴ **مرابحه در بانکداری اسلامی (غیرسودی):** با توجه به مباحثی که در مورد عقد مرابحه در فقه اسلامی بیان شد، در این بخش به شیوه کاربردی آن در بانکداری اسلامی می پردازیم.

**تعریف مرابحه در بانکداری:** مرابحه در بانکداری به معنای فروش جنسی است که با پول نقد بانک خریداری شده و مفاد مشخصی از طرف بانک به آن وضع میشود. در این نوع بیع، قیمت خرید و مقدار فایده تعیین شده توسط بانک به خریدار اطلاع داده شده و عقدنامه خرید و فروش امضا میشود. شایان ذکر است که مرابحه ای که در بانکداری اسلامی امروز رواج دارد، با مرابحه های موجود در متون فقهی قدیم تفاوت دارد و به همین دلیل به این نوع مرابحه، "مرابحه معاصر" گفته میشود. **شیوه تطبیقی مرابحه بانکی:** شخصی که به یک کالا نیاز دارد، اما پول کافی برای خرید آن ندارد، به بانک اسلامی مراجعه کرده و نیاز خود را بیان می کند. بانک وضعیت حقوقی مشتری را طبق قوانین تجاری بررسی می کند و اگر درخواست مشتری برای بانک قانع کننده باشد، با او یک توافق نامه یا عقد مقدماتی امضا میشود. در این عقدنامه مقدماتی، نرخ کالای مورد فروش و حقوق و مسئولیت های طرفین به وضوح بیان میشود. پس از این عقد مقدماتی، کالا از بازار توسط بانک خریداری میشود و بانک با اضافه کردن مقدار مشخصی مفاد بر روی قیمت خرید، آن را به مشتری به صورت اقساطی می فروشد. مقدار سودی که بانک بر قیمت خرید خود اضافه می کند، در حقیقت، تشکیل دهنده فایده یا منفعت بانک است.

بعضی از فقها این نوع مرابحه بانکی را جایز نمی دانند، در حالی که برخی دیگر آن را مجاز می شمارند. فقهایی که مرابحه بانکی معاصر را جایز میدانند، به اجتهاد امام محمد شبیبانی، یکی از بنیان گذاران فقه حنفی، و اجتهاد دیگر علمای این حوزه استناد می کنند (Hacikali, 2013). همچنین، کنفرانس های مربوط به بانکداری اسلامی که در دبی ۱۹۷۹م، کویت ۱۹۸۳م و مدینه منوره در ۱۹۸۳م برگزار شده اند، به مشروعیت مرابحه معاصر رأی داده اند (Stanekzi, 2024).

در بانکداری اسلامی، قبل از ورود به عقد مرابحه با مشتری، تحقیقات و بررسی های جامعی انجام میشود. مواردی که بانک قبل از عقد با مشتری بررسی می کند، میتواند به طور خلاصه به شرح زیر باشد:

- i. تحقق وجود مال:** بانک بررسی می کند که آیا مال مورد مرابحه در بازار وجود فیزیکی دارد یا خیر. این موضوع ضروری است زیرا برای اجرای عقد مرابحه، موجودیت مال در بازار لازم است. به همین دلیل، مواردی که ویژگی های مالی ندارند، مانند مالیات دولت، جزاها و سایر مصارف، نمیتوانند موضوع عقد مرابحه بانکی قرار بگیرند.
- ii. حرمت اشیاء:** بانک از انجام عقد مرابحه بر روی اشیائی مانند شراب، گوشت خوک، وسایل قمار و سایر ابزارهایی که در امور حرام به کار میروند، خودداری میکند.
- iii. امکان خرید و فروش اقساطی:** بانک بررسی میکند که آیا خرید و فروش جنس مورد عقد به صورت اقساط امکان پذیر است یا خیر.
- iv. مالکیت قبلی:** لازم است که جنس مذکور قبلاً در مالکیت مشتری نبوده باشد. اگر مشتری مالک همان مال از قبل باشد، بانک عقد مرابحه را با مشتری امضا نخواهد کرد.
- v. غیرساختگی بودن عقد:** لازم است که عقد خرید و فروش ساختگی نباشد و به طور واقعی بر اساس شرایط صحیح و واقعی تنظیم شده باشد.
- vi. عدم وضع جزا برای تأخیر در پرداخت:** در بانکداری های غیر سودی امروز عرف مروج اینست، در صورتی که مشتری نتواند قرض خود را به زمان معینه اش پرداخت نماید، بانک بالای قرض اصلی به عنوان جزا، سود اضافی دیگر وضع خواهد کرد، این شرط بین طرفین ضمن عقدنامه به امضاء طرفین میرسد. به نسبت اینکه اسلام ربا را حرام قرار داده درست نبودن این شرط یک موضوع واضح و آشکار است. ولو که این شرط به اثر رضایت بانک و مشتری

انجام شده باشد، این عقد درست نمیباشد. زیرا شروطی که حلال را حرام و حرام را حلال کنند، از اعتبار ساقط اند. به همین دلیل، متخصصان اقتصاد اسلامی گزینه های دیگری را برای مشتریان متخلف پیشنهاد داده اند (Hacikali ve diğerleri, 2013).

قابل ذکر است که بانکی که پول جزا را از مشتری اخذ میکند، آن پول را ملکیت خود نمیداند و تصرف مالکانه ای بر آن نمی کند، زیرا آن پول را برای خود حلال نمیداند و آن را در مواردی که مقررات بانکداری اسلامی تعیین کرده، مصرف می نماید (Al-Barakah Turk Katim Bankasi, 2024).

**vii. عدم مسئولیت بانک پس از خرید:** بانک پس از خرید جنس مورد مباحه، مسئولیت بعدی عقد بیع را به عهده نمی گیرد. به عبارتی دیگر، مسئولیت تسلیم مبیعه به مشتری به عهده بانک نیست. در صورتی که عیبی در مال پس از خرید مشخص شود که از قبل وجود داشته، مشتری نمیتواند مال را به بانک مسترد کند. بعد از اینکه بانک برای خرید جنس مورد مباحه به کارخانه، مارکیت یا دکان سفارش خرید داد و پول آن را پرداخت نمود، دیگر هیچ گونه مسئولیتی در قبال عقد بیع بر عهده ندارد. حتی اگر فروشنده، جنس را به مشتری بانک تسلیم نکند یا جنس ناقص باشد، مشتری طبق عقد نامه ای که با بانک امضا کرده، موظف به پرداخت تمام قیمت به بانک است.

مباحه ای که دارای چنین شرایطی باشد، از دید فقهی جائز نیست زیرا بانک به عنوان فروشنده، موظف به تسلیم مبیعه به مشتری است و این موضوع از احکام الزامی عقد بیع به شمار میرود. اگر بانک این مسئولیت را انجام ندهد، عقد انجام شده مشروعیت خود را از دست میدهد. به عبارتی، بانک بیشتر به صورت شکلی و نمایشی عقد را با مشتری انجام داده و مشتری را به قرضداری وام دار نموده است. تنها در صورتی که بائع (بانک) با عدم پذیرش عیب در جنس فروخته شده شرط بگذارد و مشتری نیز این شرط را بپذیرد، این شرط صحیح خواهد بود. بدین معنا که مسئولین بانک باید به مشتری بگویند که در صورت پیدا شدن عیب در مبیعه، مشتری نمیتواند آن را به بانک مسترد کند. اگر مشتری این شرط را بپذیرد، عقد درست است و در صورت آشکار شدن عیب در مال پس از فروش و تسلیم، مسئولیت به عهده مشتری خواهد بود و نه بانک (Hacikali ve diğerleri, 2013).

### ۳. اجاره (کرایه)

۳،۱ **تعریف:** اجاره در اصطلاح فقهی و حقوقی، عقدی است که طی آن، منافع یک مال به طور موقت و در مقابل عوضی معین به مستأجر (اجاره گیرنده) منتقل میشود. این عقد به معنای تملیک منفعت است، بدین ترتیب که مؤجر (اجاره دهنده) در ازای دریافت مال یا پول (اجرت)، منفعت مال خود را به مستأجر واگذار میکند (Kuduri, 1997, s.101). به عبارت دیگر، اجاره عقدی است که بر منفعت دلالت دارد و مستأجر را به مالکیت منفعت مال اجاره داده شده می رساند. در اینجا، تفاوت میان عقد اجاره و عقد اعاره (عاریت) آشکار میشود. در حالی که در اجاره، مالک در مقابل دریافت عوض مشخص، منافع مال خود را منتقل میکند، در اعاره، این انتقال منافع بدون عوض انجام میگردد (Al-Mujaddidi, 2003, s.16). به بیان ساده تر، در عقد اعاره، مالک منافع مال خود را به صورت رایگان در اختیار دیگری قرار میدهد. نمونه هایی از عقد اجاره عبارتند از: اجاره دادن خانه، مغازه، زمین زراعی، یا حتی استخدام یک کارگر برای انجام کاری. این موارد همگی مصادیقی از تملیک منافع مال یا خدمات در مقابل عوض هستند.

### اصطلاحات مرتبط با اجاره

- **مؤجر (آجر):** به فردی گفته میشود که مال خود را برای استفاده به دیگری اجاره میدهد.

- **مستأجر:** به فردی که مال را اجاره میگیرد و از منافع آن استفاده میکند.
- **مأجور:** به مال یا شیء اجاره داده شده (مانند خانه، زمین یا شیء دیگر) اطلاق میشود.
- **أجره و اجر:** به عوض یا اجرتی گفته میشود که مستأجر به مؤجر در ازای استفاده از منافع مال می پردازد (Kahraman, 2021, s. 285) این تعریف از اجاره به طور جامع، هم در فقه و هم در حقوق مورد استفاده قرار میگیرد و میتواند در انواع معاملات تجاری و مدنی کاربرد داشته باشد.

### ۳,۲ دلیل مشروعیت اجاره

مشروعیت عقد اجاره به استناد قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و اجماع فقها از صدر اسلام تا به امروز مورد تأیید قرار گرفته است. دلایل مختلفی از این سه منبع اصلی فقه اسلامی برای جواز و مشروعیت اجاره وجود دارد که در ادامه به آنها پرداخته میشود:

أ. **مشروعیت اجاره در قرآن کریم:** در آیات متعددی از قرآن کریم به جواز و مشروعیت اجاره اشاره شده است. به عنوان نمونه، در آیه ۶ سوره طلاق آمده است: **"فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ أُمَّهَاتَهُنَّ" (ترجمه: «پس اگر (زنان طلاق شده شما) برای (فرزندان تان) شیر دادند، پاداش آنها را بدهید. این آیه به صراحت به وجوب پرداخت مزد در قبال منفعتی که از فرد دریافت میشود، اشاره دارد که اساس مشروعیت اجاره را تشکیل میدهد.** همچنین در سوره کهف، آیه ۷۷ آمده است: **"قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا" (ترجمه: «حضرت خضر (ع) گفت: اگر می خواستی، میتوانستی برای این کار اجرت بگیری.**

ب. **مشروعیت اجاره در سنت نبوی:** سنت پیامبر اسلام (ص) نیز به وضوح بر مشروعیت اجاره تأکید کرده است. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) در حدیثی میفرماید: **"أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ، قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرْقُهُ" (Al-Bayhaqi, 2003).** ترجمه: «مزد کارگر را پیش از آنکه عرقش خشک شود، بپردازید. این حدیث، نه تنها بر جواز اجاره و کار در ازای مزد دلالت دارد، بلکه بر ضرورت پرداخت به موقع اجرت نیز تأکید میکند.

ج. **مشروعیت اجاره در اجماع:** از دیدگاه اجماع فقها، از صدر اسلام تاکنون، هیچ کدام از مجتهدین جواز اجاره را انکار نکرده اند. در طول تاریخ فقه اسلامی، توافق عمومی بر این بوده است که همانطور که مردم به اموال نیاز دارند، به منافع اموال و خدمات نیز نیازمندند، و این نیاز، مشروعیت اجاره را توجیه میکند (Zuhayli, 2002).

### ۳,۳ نحوه انعقاد عقد اجاره

عقد اجاره با ایجاب و قبول طرفین و استفاده از کلماتی که در عرف و عادت مردم برای این منظور رایج است، منعقد میگردد. همچنین، این عقد میتواند از طریق تعاطی (یعنی داد و ستد بدون گفتوگو) منعقد شود. برای مثال، پرداخت کرایه به راننده و دریافت آن از سوی راننده بدون نیاز به تبادل کلمات رسمی نیز از موارد معمول انعقاد عقد اجاره است. مشروعیت اجاره در فقه اسلامی بر اساس نیازهای واقعی افراد جامعه به استفاده از منافع اموال و خدمات استوار است، و این مسئله توسط منابع اصلی اسلام یعنی قرآن، سنت و اجماع تأیید شده است.

### ۳,۴ احکام پرداخت بدل اجاره و عقد کار و خدمات

أ. **احکام عمومی پرداخت بدل اجاره**

زمان پرداخت بدل اجاره (کرایه) بر اساس توافق طرفین عقد تعیین میشود. اگر پیشاپیش شرطی بین طرفین مطرح نشده باشد، اجاره دهنده مکلف است که اول مال یا جنس مورد اجاره را به مستأجر تحویل دهد. اجاره دهنده موظف است که جنس مورد اجاره را به صورت صحیح و سالم به مستأجر (کرایه گیرنده) تسلیم کند. در واقع، تحویل صحیح و سالم جنس، یکی از شروط اصلی عقد اجاره است.

#### ب. احکام اجاره در عقد کار و خدمات

علاوه بر اجاره اموال، اجاره کار و خدمات نیز در فقه اسلامی مطرح است. در این نوع اجاره، انسان در ازای انجام یک کار مشخص، مزد یا اجرت خود را دریافت میکند که این نوع اجاره به نام اجاره آدمی شناخته میشود. برای مثال:

- اگر یک خیاط با استفاده از تکه ی متعلق به خودش لباس بدوزد، این نوع قرارداد عقد استصناع نامیده میشود. اگر مشتری تکه ی خود را به خیاط تحویل دهد و خیاط آن را بدوزد، این قرارداد، عقد اجاره است و پولی که خیاط از مشتری دریافت میکند، مزد کار یا همان بدل اجاره محسوب میشود (Kahraman, 2021, s. 286).

#### ۳,۵ تقسیم بندی اجیر در عقد اجاره: اجیر در اجاره خدمات به دو نوع تقسیم میشود: اجیر خاص و اجیر مشترک.

I. **اجیر خاص:** اجیر خاص به کارگری اطلاق میشود که برای کار مشخصی نزد یک شخص خاص به طور تمام وقت کار میکند. به عنوان مثال: کارگر ماهانه در بخش های زراعت، تجارت، ساختمان، مالداري یا حتی کارگر خانگی. این کارگر حتی اگر به طور فعال نیز کاری انجام ندهد، اما در محیط کار حضور داشته باشد، مستحق دریافت مزد و اجرت خود خواهد بود.

II. **اجیر مشترک:** اجیر مشترک کسی است که خدمات خود را به عموم جامعه ارائه میدهد، نه فقط به یک فرد خاص. مانند: خیاط، سلمان، ساعت ساز و مشاغل مشابه. اجیر مشترک برخلاف اجیر خاص، فقط پس از انجام کار محوله مستحق دریافت مزد میشود. برای مثال، خیاط تنها پس از دوختن لباس مستحق دریافت اجرت خود خواهد بود (Mawsili, 1937, s. 53).

#### ۳,۶ انتقال انجام کار به دیگری در عقد اجاره

در مواردی که شخصی کاری را به اجاره گرفته باشد، در صورتی که صاحب کار توافقی نکرده باشد که اجاره گیرنده شخصاً باید کار را انجام دهد، وی میتواند انجام کار را به فرد دیگری بسپارد. اما اگر توافق شده باشد که اجاره گیرنده باید شخصاً کار را انجام دهد، وی حق ندارد کار را به دیگری واگذار کند (Kahraman, 2021, s. 287).

#### ۳,۷ ابزار و وسایل در عقد اجاره

در مورد تأمین ابزار و وسایل لازم برای انجام کار در عقد اجاره، تعیین کننده ی این موضوع اغلب عرف و عادات جامعه است. به عنوان مثال، در عرف معمول است که اگر لباس برای دوختن به خیاط سپرده شود، تار و وسایل دوخت از جانب خیاط تهیه میشود. این موارد باید طبق عرف جامعه تعیین و توافق شود (Kahraman, 2021, s. 285).

#### ۴. کاربرد عقد اجاره در بانکداری اسلامی

آنچه در بالا درباره عقد اجاره به صورت اجمالی مطرح شد، به بررسی کاربرد و شرایط این عقد در معاملات عادی در پرتو فقه اسلامی اختصاص داشت. اکنون، با تکیه بر مبانی ذکر شده، کاربرد عقد اجاره را در بانکداری اسلامی بررسی می کنیم. عقد اجاره در بانکداری اسلامی به دو شکل عمده مورد استفاده قرار میگیرد:

#### أ. اجاره صندوق امانات (Safe Box Rental)

ب. اجاره سرمایه (Financial Leasing)

ا. اجاره صندوق امانات (Safe Box Rental)

بانک ها به مشتریان خود این امکان را میدهند که از صندوق های امانات داخل بانک استفاده کنند و در ازای آن مبلغی به عنوان کرایه پرداخت نمایند. بانک یکی از صندوق های خود را به مدت معینی به مشتری اجاره میدهد. از نظر فقهای معاصر، این نوع قرارداد به عنوان عقد اجاره شناخته میشود. وجود صندوق ها در بانک و زیر نظارت امنیتی آن، محل شرایط عقد اجاره نیست و به همین دلیل، تمامی احکام فقهی مربوط به اجاره در این نوع قرارداد نیز قابل اعمال است.

ب. اجاره سرمایه (Financial Leasing)

اجاره سرمایه ای، نوعی قرارداد بین بانک و مشتری است که طی آن، بانک مال مورد نیاز مشتری را از بازار خریداری میکند و آن را به صورت اجاره به مشتری تحویل میدهد. مشتری در طول مدت قرارداد، از این مال استفاده میکند و در مقابل، مبلغی به صورت اقساط به بانک پرداخت میکند. این مبلغ که به عنوان کرایه پرداخت میشود، در حقیقت قیمت مبیعه است که به صورت قسطی پرداخت میگردد. در جریان پرداخت این اقساط، مالکیت مال در اختیار بانک باقی میماند، اما حق استفاده و تصرف در مال اجاره ای به مشتری تعلق دارد. با پرداخت آخرین قسط، بانک با یک نرخ سمولیک یا از طریق هبه، مالکیت مال اجاره شده را به مشتری منتقل میکند.

**اختلافات فقهی در ماهیت عقد اجاره سرمایه ای:** در میان فقها، دو دیدگاه مختلف در مورد ماهیت این نوع قرارداد وجود دارد: **دیدگاه اجاره:** برخی از فقها این قرارداد را عقد اجاره می دانند. بر اساس این دیدگاه، با پرداخت آخرین قسط، مالکیت به صورت خودکار به مشتری منتقل نمیشود. بلکه برای انتقال مالکیت، نیاز به یک عقد بیع جداگانه میان بانک و مشتری است (Hacikali ve diğerleri, 2013).

ا. **دیدگاه بیع به اقساط:** برخی دیگر از فقها این قرارداد را بیع به اقساط می دانند. به موجب این دیدگاه، مالکیت مال پس از پرداخت آخرین قسط به صورت خودکار به مشتری منتقل میشود. این نوع بیع با بیع معمولی تفاوت دارد؛ در بیع معمولی، مالکیت پس از ایجاب و قبول فوراً به مشتری انتقال پیدا میکند، اما در این نوع بیع، انتقال مالکیت تنها پس از پرداخت آخرین قسط رخ میدهد (Hacikali ve diğerleri, 2013).

**تحلیل فقهی بر اساس مقاصد عقد**

طبق یک قاعده کلی فقهی، «العبرة فی العقود لمقاصد و المعانی، لا للالفاظ و المبانی» (Osmanlı Halifeliği Âlimleri Topluluğu) یعنی در عقدها به مقاصد و معانی بیشتر از الفاظ و مبانی توجه میشود. بر اساس این قاعده، عقد اجاره ای که در بانکداری اسلامی تحت عنوان اجاره سرمایه ای شناخته میشود، میتواند بهتر به عنوان عقد بیع به اقساط پذیرفته شود. چرا که در این نوع قرارداد، ملکیت مال پس از پرداخت آخرین قسط به مشتری منتقل میشود و آنچه به عنوان کرایه ذکر شده، در حقیقت همان بدل بیع است که به صورت اقساط پرداخت میگردد (حچکالی و دیگران، ۲۰۱۳، ص. ۱۸۹). این کاربردهای عقد اجاره در بانکداری اسلامی نشان میدهد که بانکها با استفاده از قواعد فقهی، امکان انعقاد قراردادهایی را فراهم می کنند که هم با احکام شرعی سازگار است و هم نیازهای مالی مشتریان را پوشش میدهد.

**نتیجه گیری**

بررسی تطبیقی عقد مرابحه و اجاره نشان دهنده آن است که این دو عقد، علیرغم تفاوت های ماهوی خود، در نظام بانکداری اسلامی نقش مهمی ایفا میکنند. این عقود که بر اساس فقه اسلامی پایه گذاری شده اند، با توجه به تحولات اقتصادی و ظهور نیازهای مالی جدید، به شکلی جدید و معاصر در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار میگیرند. عقد مرابحه، به عنوان یکی از روشهای مؤثر برای تأمین مالی در بانکداری اسلامی، همواره مورد توجه بوده است، زیرا ضمن رعایت قواعد فقهی، شفافیت و عدالت در معاملات را نیز تضمین میکند. به ویژه در کشورهای اسلامی که معاملات ربوی ممنوع است، مرابحه به عنوان ابزاری مشروع برای تأمین نیازهای مالی افراد و مؤسسات مطرح شده است. تحقیقات نشان میدهد که این عقد، به دلیل تأکید بر مفاد مشروع و شفافیت در تعیین نرخ خرید، توانسته است جایگزین مناسبی برای سیستم های ربوی در نظام بانکی شود. در عین حال، اجاره بانکی نیز به عنوان ابزاری مهم در تأمین مالی بدون ربا، با ویژگی های خاص خود از جمله مشارکت بانک و مشتری در بهره مندی از اموال مورد معامله، توانسته است در اقتصاد معاصر جایگاه ویژه ای پیدا کند. علاوه بر این، بررسی منابع فقهی و آثار معاصر نشان میدهد که هر دو عقد مرابحه و اجاره با توجه به نیازهای جدید اقتصادی و اجتماعی تطبیق داده شده و در سیستم بانکداری اسلامی با موفقیت به کار گرفته شده اند. با وجود تفاوت های نظری میان فقها در خصوص مرابحه بانکی معاصر، این نوع معاملات به مرور زمان مورد پذیرش جامعه فقهی قرار گرفته و مشروعیت آن توسط علمای برجسته و کنفرانس های معتبر فقهی تأیید شده است. در نهایت، میتوان گفت که عقد مرابحه و اجاره به عنوان بخشی از بانکداری اسلامی، ضمن احترام به قواعد فقهی و اسلامی، به نیازهای اقتصادی جوامع اسلامی در عصر جدید پاسخ داده و امکان انجام معاملات مالی مشروع و شفاف را فراهم کرده اند. این عقود نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه در کشورهای غیر اسلامی نیز به دلیل ساختار عدالت محور و تطابق با قواعد مالیاتی و قانونی، مورد استقبال قرار گرفته اند. لذا با توجه به شرایط اقتصادی فعلی و نیازهای اجتماعی، استفاده از این عقود در سیستم بانکداری اسلامی میتواند به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر برای توسعه و بهبود اقتصاد کشورهای اسلامی مدنظر قرار گیرد.

## References

- Al-Barakah Turk Katim Bankasi. (2024). *Murabaha Bankacılık Sözleşmesi Bilgi Formu (Madde No. 9)*.
- Al-Bayhaqi, A. b. al-H. b. A. b. M. (2003). *Al-Sunan al-Kubra* (C. 6, s. 199). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Al-Mujaddidi al-Barkati, M. A. A. (2003). *Al-Ta'rifat al-Fiqhiyyah* (Cilt 1, s. 16). Pakistan: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Al-Qazwini, A. A. M. b. Y. (t.y.). *Al-Sunan* (C. 2, s. 817). y.y. Dar Ihya' Kutub al-Arabi.
- Al-Zuhaili, W. M. (2002). *Al-Mu'amalat al-Maliyah al-Muasirah* (s. 72). Dar Al-Fikr.
- El-Haddadi, A. b. A. b. M. (1904). *El-Cevherat al-Nayyirah* (C. 1, s. 209). b.y. El-Matba'a el-Khayriyye.
- Hacikali, A. R., ve diğerleri. (2013). *Masa'il Fiqhi Mu'asirah* (s. 185). Anadolu Üniversitesi: Açık Ortım Fakültesi yayınları.

Hacikali, A. R., ve diğ erleri. (2013). *Masa'il Fiqhi Mu'asirah* (s. 186). Anadolu Üniversitesi: Açık Ortım Fakültesi Yayınları.

Hacikali, A. R., ve diğ erleri. (2013). *Masa'il Fiqhi Mu'asirah* (s. 189). Anadolu Üniversitesi: Açık Ortım Fakültesi Yayınları.

Hasan, M. (t.y.). *Kur'an-ı Kerim Tercümesi* (29. Nisa Suresi). b.y. İhsan Yayınları.

Hassan, M. (t.y.). *Kur'an-ı Kerim Tefsiri* (Süra Al-Bakara, 275). b.y. Nashr Ihsan, t.y.

Ibn Manzur, M. b. M. b. A. A. A. J. al-Din. (1993). *Lisan al- 'Arab* (Cilt 2, s. 441). Dar al Sader.

Kahraman, K. (2021). *Hukuk-i İslamî ve Temel Çizgileri* (Cilt 3, s. 284). Ansar Yayınları.

Kahraman, K. (2021). *Hukuk-i İslamî ve Temel Çizgileri* (Cilt 3, s. 285). Ansar Yayınları.

Kahraman, K. (2021). *Hukuk-i İslamî ve Temel Çizgileri* (Cilt 3, s. 286). Ansar Yayınları.

Kahraman, K. (2021). *Hukuk-i İslamî ve Temel Çizgileri* (Cilt 3, s. 287). Ansar Yayınları.

Kuduri, A. b. M. b. J. A. H. (1997). *Mukhtasar al-Kuduri* (s. 101). b.y. Dar al-Kutub al-İlmiyyah.

Kuduri, A. b. M. b. J. A. H. (1997). *Mukhtasar al-Kuduri fi al-Fiqh al-Hanafi* (s. 68).

Mawsili, A. b. M. b. M. (1937). *Al-İktiyar li Ta'leel al-Mukhtar* (Cilt 2, s. 50). Al-Halabi Dar al-Kutub al-İlmiyyah.

Mawsili, A. b. M. b. M. (1937). *Al-İkhtiyar li Ta'leel al-Mukhtar* (C. 2, s. 53). El-Halabi Dar al-Kutub al-İlmiyye.

Mawsili, A. b. M. b. M. (1937). *El-İkhtiyar li Ta'leel el-Mukhtar* (C. 2, s. 29). El-Halabi Dar al-Kutub al-İlmiyyah.

Mawsili, A. b. M. b. M. (1937). *İkhtiyar li Ta'leel al-Mukhtar* (C. 2, s. 28). El-Halabi Dar al-Kutub al-İlmiyyah.

Osmanlı Halifeliğ i Âlimleri Topluluğ u. (b.t.). *Majallat al-Ahkam al- 'Adliyah* (s. 16). Noor Muhammad Kitap Ticaret Fabrikası, Aram Bagh.

Stanekzi, M. A. Z. (2024). *Tanwir al-Afkar fi Mu'amalat Bankdari Islami* (pp. 114-117). Hamid Resalat.

Zuhayli, V. M. (2006). *Al-Fiqh al-Islami wa Adilatuhu* (C. 5, s. 3766). Dar al-Fikr.

Zuhayli, W. M. (2002). *Al-Muamalat al-Maliyah al-Mu'asirah* (s. 68). Dar al-Fikr.